



مقطع تحصیلی: کاردانی ■ کارشناسی □ رشته: معماری ترم: اول سال تحصیلی: ۱۳۹۸-۱۳۹۹

نام درس: جامعه شناسی عمومی نام و نام خانوادگی مدرس: مرضیه ذوالفقاری

آدرس email مدرس: marzieh.zolfaghari@gmail.com تلفن همراه مدرس: ۰۹۱۲۹۳۰۴۱۸۹

جزوه درس جامعه شناسی عمومی مربوط به هفته : اول □ دوم ■ سوم □

text: دارد ■ ندارد □ voice: دارد □ ندارد ■ power point: دارد □ ندارد ■

تلفن همراه مدیر گروه: ۰۹۱۹۴۴۲۰۰۴

جامعه شناسی چیست؟

جامعه شناسی مطالعه زندگی اجتماعی انسان، گروه‌ها و جوامع انسانی است. کار یک جامعه شناس بسیار جذاب و گیراست چون موضوع مطالعه او رفتارهای خود ما در مقام موجودات اجتماعی است. دامنه مطالعات جامعه شناسی بسیار گسترده است و از تحلیل برخوردهای زودگذر عابران در خیابان تا پژوهش درباره فرایندهای اجتماعی جهانی را در بر می‌گیرد.

اکثر ما جهان را بر اساس سیمای آشنای زندگی خودمان می‌نگریم. جامعه شناسی بیانگر نیاز به داشتن دیدگاه بسیار وسیع‌تری به این پرسش است که چرا ما اینگونه‌ایم که اکنون هستیم، و چرا بدین گونه عمل می‌کنیم. جامعه شناسی به ما می‌آموزد که آن چه طبیعی، اجتناب ناپذیر، خوب یا حقیقی می‌شماریم شاید چنین نباشد و اوضاع کنونی زندگی ما به شدت تحت تاثیر نیروهای تاریخی و اجتماعی قرار دارد. فهم شیوه‌های ظریف اما پیچیده و ژرف نحوه انعکاس زمینه‌های وسیع‌تر اجتماعی و تجربی در زندگی فردی ما سنگ بنای نگرش جامعه شناسی است.

بنیانگذار جامعه‌شناسی

مسلماً هیچ فرد واحدی نمی‌تواند کل یک حوزه مطالعاتی را بنیان بگذارد و واقعیت هم این است که افراد زیادی در تفکر جامعه‌شناختی اولیه نقش و سهم داشته‌اند. اما معمولاً اولویت خاصی برای اگوست کنت فرانسوی قائل می‌شوند. کنت واژه جامعه‌شناسی را ابداع کرد. او ابتدا از اصطلاح فیزیک اجتماعی استفاده می‌کرد در حالیکه بعدها به دلیل اینکه می‌خواست تفاوت و تمایز دیدگاه‌های خود را از سایرین نشان دهد؛ اصطلاح جامعه‌شناسی را وضع کرد تا موضوع مطالعه و رشته‌ای را توصیف کند که مایل به تثبیت آن بود.

اندیشه کنت بازتابی از رویدادهای پرتلاطم روزگار او بود. انقلاب فرانسه تغییرات مهمی را در جامعه ایجاد کرده بود و رشد صنعتی شدن زندگی سنتی مردم فرانسه را متحول می‌ساخت. کنت خواهان ایجاد دانشی در جامعه بود



که بتواند قوانین دنیای اجتماعی را تبیین کند. درست همان گونه که علوم طبیعی نحوه عملکرد دنیای فیزیکی را تبیین می‌کرد. سخن کنت این بود که جامعه نیز همچون دنیای فیزیک تابع قوانین ثابت و تغییرناپذیری است. قانون مراحل سه گانه کنت مدعی است که تلاش‌های بشر برای فهم جهان در طول تاریخ از سه مرحله الهیاتی، متافیزیکی و اثباتی عبور کرده است. در مرحله الهیاتی اندیشه‌های بشر تحت هدایت تصورات دینی و این عقیده بود که جامعه جلوه‌ای از مشیت خداوند است. در مرحله متافیزیکی جامعه بر اساس پدیده‌های طبیعی نگریسته می‌شد و نه پدیده‌های ماورالطبیعی. مرحله اثباتی که با اکتشافات و دستاوردهای گالیلو و نیوتن آغاز شده بود، مشوق کاربرد فنون علمی برای مطالعه دنیای اجتماعی بود. بر اساس چنین دیدگاهی کنت جامعه شناسی را آخرین علم در زنجیره تکامل علوم تلقی می‌کرد که پس از فیزیک، شیمی و زیست شناسی قرار می‌گرفت. کنت جامعه شناسی را مهم‌ترین و پیچیده‌ترین علم در میان همه علوم می‌دانست.

نگرش جامعه شناختی

جامعه شناس کسی است که می‌تواند از بند فوریت اوضاع و احوال شخصی خویش خلاص شود و همه چیز را در متن وسیع تری قرار دهد. کار جامعه شناس بستگی به چیزی دارد که جامعه شناس امریکایی «سی رایت میلز» آن را نگرش جامعه شناسی می‌نامید.

نگرش جامعه شناسی بیش از هر چیز مستلزم آن است که ما بتوانیم با فاصله گرفتن از روال‌های معمول در زندگی روزانه بیندیشیم و به آن‌ها نگاه تازه‌ای داشته باشیم. مثلاً عمل ساده نوشیدن قهوه را در نظر بگیرید. از دیدگاه جامعه شناسان، درباره چنین رفتار ظاهراً عادی چه می‌توانیم بگوییم؟ جواب این است که خیلی چیزها.

پیش از هر چیز می‌توانیم بگوییم که نوشیدن قهوه فقط یک رفع خستگی ساده نیست. این کار به منزله بخشی از فعالیت‌های اجتماعی روزمره ما با ارزش است. در اغلب اوقات مناسک و تشریفاتی که با نوشیدن قهوه همراه است بسیار مهم‌تر از عمل مصرف کردن خود این نوشیدنی است. برای بسیاری از غربی‌ها قهوه صبح محور و روال زندگی شخصی آن‌ها است. نوشیدن قهوه نخستین گام برای آغاز کردن روز است. قهوه صبح اغلب در طول روز با قهوه‌های دیگری که همراه با دیگران نوشیده می‌شود، ادامه می‌یابد. دو نفر برای نوشیدن قهوه با یکدیگر قرار ملاقات می‌گذارند، احتمالاً به با هم بودن و با هم حرف زدن بیش از چیزی که واقعاً می‌نوشند علاقه دارند. در واقع خوردن و نوشیدن در همه جوامع فرصت‌هایی برای کنش متقابل اجتماعی و به اجرا گذاشتن مناسک فراهم می‌کند

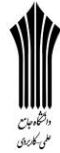


و این موضوعی بسیار غنی برای مطالعه جامعه شناختی است.

دوم اینکه قهوه یک ماده مخدر حاوی کافئین است که اثر تحریک کننده بر مغز دارد. بسیاری از مردم قهوه را برای نیرو و نشاط بیش تر که به آن‌ها می‌دهد می‌نوشند. روزهای طولانی اداره و مطالعه دیر هنگام شبانه با نوشیدن قهوه آسان تر تحمل می‌شود. قهوه ماده‌ای اعتیاد آور است اما معتادان به قهوه در فرهنگ غربی از نظر اکثر مردم جزو مصرف کنندگان مواد مخدر به شمار نمی‌آیند. قهوه همچون سیگار ماده مخدری است که به لحاظ اجتماعی مورد پذیرش است. در حالیکه که مثلاً ماری جوانا چنین نیست. اما جوامعی وجود دارند که با مصرف ماری جوانا یا حتی کوکائین مدارا می‌کنند اما قهوه و سیگار را ناپسند می‌شمارند. جامعه شناسان علاقمند هستند که بدانند چرا این تفاوت‌ها وجود دارند.

سوم فردی که قهوه می‌نوشد وارد مجموعه پیچیده‌ای از روابط اجتماعی و اقتصادی می‌شود که در سراسر جهان گسترش می‌یابد. قهوه محصولی است که مردمان برخی از ثروتمندترین و فقیرترین نواحی کره زمین را به هم پیوند می‌دهد. قهوه به حد وفور در کشورهای ثروتمند مصرف می‌شود در حالیکه عمدتاً در کشورهای فقیر تولید می‌شود. قهوه بعد از نفت از ارزشمندترین کالاها در تجارت جهانی است و برای بسیاری از کشورها بزرگ ترین منبع تجارت خارجی آن‌هاست. مطالعه این معاهده‌های جهانی یکی از کارهای مهم جامعه شناسی است، چون بسیاری از جنبه‌های زندگی ما اکنون از تأثیرات و ارتباطات اجتماعی جهان گستر اثر می‌پذیرد.

نگرش جامعه شناسی ما را قادر به درک این مطلب می‌کند که بسیاری از وقایعی که ظاهراً فقط به فرد مربوط می‌شوند در واقع مسائل بزرگ تری را منعکس می‌سازند. برای نمونه طلاق ممکن است برای کسی که درگیر و دار آن است، فرایندی به غایت دشوار باشد. اما به گفته میلز طلاق در جامعه‌ای مثل بریتانیای فعلی که یک سوم کل ازدواج‌ها در طول ده سال به جدایی می‌انجامد، مسئله‌ای عمومی نیز هست. یا ممکن است بیکاری برای کسی که از کاری اخراج می‌شود و نمی‌تواند کار دیگری بیابد یک تراژدی شخصی باشد اما وقتی میلیون‌ها نفر از اعضای جامعه همین وضعیت را داشته باشند آن گاه بیکاری چیزی فراتر از یاس خصوصی است. یعنی مسئله‌ای عمومی است که روندهای اجتماعی بزرگی را نشان می‌دهد.



جامعه‌شناسی چگونه به ما در زندگی مان کمک می‌کند؟

اطلاع از تفاوت‌های فرهنگی

جامعه‌شناسی به ما امکان می‌دهد که به دنیای اجتماعی از دیدگاه‌هایی غیر از دیدگاه خودمان بنگریم. در اغلب اوقات اگر درک درستی از چگونگی زندگی دیگران داشته باشیم به فهم بهتری از چستی مسائل آن‌ها نیز می‌رسیم.

ارزیابی نتایج سیاست‌ها

پژوهش جامعه‌شناختی می‌تواند به ارزیابی نتایج اقدامات سیاسی و اجتماعی در عمل کمک کند. هر برنامه‌ای برای اصلاحات عملی ممکن است نتواند به آن چه طراحان آن در نظر داشتند برسد یا ممکن است پیامدهای ناخواسته ناخوشایندی به دنبال داشته باشد. برای نمونه در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم مجتمع‌های مسکونی بزرگی در مراکز شهری بسیاری از کشورها ساخته شدند. این مجتمع‌ها به این منظور طراحی شده بودند که برای گروه‌های کم درآمد نواحی فقیرنشین شهری مسکن‌هایی با استانداردهای بالا فراهم کنند و مراکز خرید و سایر خدمات شهری را در نزدیکی آن‌ها مستقر کنند. اما پژوهش‌ها نشان دادند که بسیاری از مردمی که خانه‌های قبلی خود را ترک گفته و به این برج‌های مسکونی نقل مکان کرده بودند احساس انزوا و بدبختی می‌کردند. ساختمان‌های بلند و مراکز خرید در این نواحی فقیرنشین غالباً کهنه و مخروبه می‌شدند و بستر مناسبی را برای رشد راهزنی و سایر جرایم خشونت آمیز فراهم می‌کردند.

خودروشنگری

جامعه‌شناسی می‌تواند ما را به خودروشنگری یعنی فهم هر چه بیش تر خویشتمان مجهز کند. ما هر چه درباره چرایی اعمالی که انجام می‌دهیم و درباره عملکردهای کلی جامعه مان بشتر بدانیم به احتمال بیشتری می‌توانیم بر آینده مان تاثیر بگذاریم. بنابراین نمی‌توانیم تصور کنیم که جامعه‌شناسی فقط در خدمت سیاست گذاران است تا با آگاهی و اطلاع درست دست به تصمیم‌گیری بزنند.

جامعه

جامعه نظامی از روابط و مناسبات متقابل است که افراد را به هم پیوند می‌دهد. همه جوامع بر این اساس متحد می‌شوند که اعضای آن‌ها مطابق با فرهنگ یگانه‌ای در روابط اجتماعی ساخت یافته‌ای سازماندهی می‌شوند.



فرهنگ

وقتی جامعه شناسان از فرهنگ سخن می گویند مقصودشان آن دسته از جنبه های جوامع بشری است که آموخته می شوند، نه آن هایی که بصورت ژنتیکی به ارث می رسند. اعضای جامعه همه در این عناصر فرهنگ سهیم هستند و به همین دلیل امکان همکاری و ارتباط متقابل به وجود می آید. این عناصر فرهنگی متن و زمینه همگانی و مشترکی را تشکیل می دهند که افراد جامعه زندگی خود را در آن می گذرانند. فرهنگ یک جامعه هم شامل جنبه های نامحسوس - عقاید، اندیشه ها و ارزش هایی که محتوای فرهنگ را می سازند - و هم جنبه های ملموس و محسوس است مانند اشیاء، نمادها یا فناوری باز نمود محتوای یاد شده، است.

ارزش ها و هنجارها

بنیان همه فرهنگ ها، تصورات و اندیشه هایی است که مشخص می کنند چه چیزی مهم، ارزشمند، مطلوب و پسندیده است. ارزش ها به انسان ها در تعامل با دنیای اجتماعی معنا می دهند و آن ها را هدایت می کنند. هنجارها قواعدی برای رفتارند که ارزش های یک فرهنگ را منعکس می کنند یا تجسم می بخشند. ارزش ها و هنجارها در کنار یکدیگر به چگونگی رفتار اعضای یک فرهنگ در محیط اجتماعی شان شکل می دهند. در فرهنگی که ارزش زیادی به مهمان نوازی می دهد هنجارهای فرهنگی ممکن است راهنمای چشمداشت و توقعات مردم در زمینه هدیه دادن، یا در زمینه رفتارهای اجتماعی میهمانان و میزبانان باشد.

اجتماعی شدن

فرایندی که کودکان یا سایر اعضای جدید جامعه، روش زندگی جامعه خویش را می آموزند اجتماعی شدن نام دارد. اجتماعی شدن مجرای اصلی و اساسی انتقال فرهنگ در طول زمان و بین نسل هاست.